

تحلیل و بررسی دلایل و پیامدهای جنگ بدر (با تأکید بر جغرافیای تاریخی جنگ بدر)

علی احمدی^۱

چکیده

بررسی جنگ بدر، به عنوان اولین جنگ مهم بین مسلمانان و مشرکان، از اهمیت بسزایی برخوردار است. نویسنده در پژوهش پیش رو دلایل و پیامدهای جنگ بدر را با تأکید بر جغرافیای تاریخی جنگ بدر بررسی کرده است تا اهمیت پیروزی سپاه اسلام بیش از پیش نمایان شود. نویسنده ابتدا مفاهیم مرتبط را تبیین، و سپس با استفاده از گزارش‌های منابع کهن و مفهوم جغرافیای تاریخی، دلایل و پیامدهای این جنگ مهم را تحلیل و بررسی کرده و به این پرسش اصلی پاسخ داده که جغرافیای تاریخی جنگ بدر، چه تأثیری در دلایل و پیامدهای پیروزی مسلمانان و شکست مشرکان داشته است. این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته، به این نتیجه دست یافته که مواردی همچون آمدن باران، عملیات‌های شناسایی متعدد مسلمانان، توجه به جغرافیای منطقه و جابه جایی موقعیت اردوی مسلمانان و... که مرتبط با مباحث جغرافیای تاریخی است، اهمیت بسزایی در پیروزی مسلمانان و شکست مشرکان در این جنگ داشته است.

کلید واژه‌ها: غزه بدر، جغرافیای تاریخی، پیامبر اسلام ﷺ

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، مسئول کتابخانه، موزه و اسناد پژوهشکده حج و زیارت

طرح مسئله

از آنجا که جنگ‌ها نقش مهمی در وقایع تاریخی، سیر تکامل دولت‌ها و تغییرات مرزی کشورها داشته‌اند، بررسی جغرافیای تاریخی آنها از اهمیت بسزایی برخوردار است. با این دیدگاه پس از بعثت پیامبر ﷺ در مکه، هجرت سرنوشت‌ساز ایشان به مدینه و تشکیل دولتی کوچک اما مستقل، جنگ بدر برای هر دو طرف اهمیت داشت؛ زیرا پیروزی مسلمانان باعث تثبیت بیشتر موقعیت آنان می‌شد و پیروزی مشرکان، دشمن نوپای آنان را به شدت آسیب‌پذیر می‌ساخت. بنابراین با توجه به اینکه اولین نبرد مهم طرفین بود، بایسته است جغرافیای تاریخی این جنگ تحلیل و واکاوی شود تا اهمیت پیروزی سپاه اسلام بیش از پیش نمایان گردد.

با توجه به این مقدمه بایسته است به یک سؤال اصلی پاسخ داده شود: دلایل پیروزی مسلمانان و پیامدهای شکست مشرکان با توجه به جغرافیای تاریخی بدر چه بود؟ با توجه به این پرسش به بررسی تحلیلی و آماری جنگ بدر پرداخته خواهد شد.

به جز آثاری که درباره تاریخ اسلام یا زندگانی پیامبر ﷺ نگاشته شده، آثاری مستقل درباره جنگ بدر نیز نوشته‌اند؛ از جمله: *یوم الفرقان؛ اسرار غزوه بدر* از دکتر مصطفی حسن بدوی که تقریباً کتاب خوبی است، *اهل بدر* از عبدالفتاح عبدالخالق و *مرویات غزوه بدر* از احمد محمد علیمی و... همچنین درباره این موضوع خاص (جغرافیای تاریخی بدر) کتاب *مختصری با عنوان اتخاذ القرارات العسکره و قرار المواجهه فی غزوه بدر* از محمد بن علی الحمیدی منتشر شده است.

دو مقاله نیز به زبان عربی با عنوان «الخصائص الطبيعية لموقع معركة بدر وأثرها فی أحداث الغزوة» از دکتر محمود بن ابراهیم دوعان و «جیولوجیة و جغرافیة مدینة بدر» از محمد بن حامد رحیلی نگاشته شده که هر دو در مجله مرکز بحوث و دراسات المدینة المنورة، شماره ۱۶، به چاپ رسیده و توانسته است زوایایی از این موضوع را

تبیین کند. همچنین دو مقاله عربی با عنوان «طریق جیش المسلمین إلی بدر» از دکتر سلیمان رحیلی و «طریق جیش المشرکین من مکه المکرمة إلی بدر» از دکتر حامد موسی خطیب و حسن بکری در همان مجله منتشر شده که به بررسی راه و منزلگاه‌های دولشکر در مسیر راه پرداخته است.

بنابراین بایسته است غزوه بدر به لحاظ جغرافیای تاریخی، انگیزه، دلایل و پیامدها تحلیل و بررسی شود. روش پژوهشی در این نگارش، گردآوری داده‌ها با رویکرد تحلیل محتوایی کمی و کیفی است. منابع استفاده شده در این پژوهش، آثار اصلی مغازی و تاریخ اسلام، همچون مغازی واقدی، طبقات ابن سعد، تاریخ طبری و... خواهد بود. این پژوهش در چهار محور (طرح مسئله، تبیین مفاهیم، جغرافیای تاریخی نبرد بدر، بررسی و تحلیل) تنظیم شده است. در محور چهارم انگیزه، دلایل پیروزی مسلمانان و پیامدهای جنگ بدر بررسی شده است.

تبیین مفاهیم

۱. جغرافیای تاریخی

جغرافیا دانشی است که از مختصات جغرافیایی مکان‌های مختلف - همچون محیط طبیعی، آب و هوا و... - بحث می‌کند. جغرافیا به شاخه‌های گوناگونی از جمله جغرافیای طبیعی، زیستی، انسانی، اقتصادی، سیاسی، تاریخی و... تقسیم می‌شود که برخی از آنها رشته جداگانه‌ای شده است. (قرچانلو، ۱۳۸۰ش، ص ۵) جغرافیای تاریخی، علمی است که از تأثیر محیط جغرافیایی بر وقایع تاریخی، سیر تکامل دولت‌ها و تغییرات مرزی آنها و تاریخ اکتشافات جغرافیایی بحث می‌کند؛ به عبارت دیگر جغرافیای تاریخی شامل بازسازی محیط‌های گذشته به شیوه بررسی سلسله وقایع در یک زمان یا ارزیابی آنها با توجه به تحولات تاریخی گذشته است. (همان، ص ۸)

۲. غزوه

«غزوة» از ماده «غ ز و» به معنای قصد جنگ (مطرزی، ۱۹۷۹م، ج ۲، ص ۱۰۲) یا رفتن به جنگ با دشمن و غارت او آمده است. جمع آن «غزوات»، «غزاة» و «غزوی» است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۱۲۳)

در اصطلاح به هر جنگی که پیامبر ﷺ در آن شرکت داشته «غزوه» گفته می شود. (دهخدا، ۱۳۷۳ش، ج ۱۰، ص ۱۴۷۳۹) درباره تعداد غزوات پیامبر ﷺ، بین سیره نویسان (از ۱۹ تا ۲۹ غزوه) اختلاف است؛ اما در تعداد غزوه هایی که به جنگ ختم شده، همگی عدد «نه» را ثبت کرده اند: بدر، احد، احزاب، بنی قریظه، بنی مصطلق، خیبر، فتح مکه، حنین و طائف. (ابن هشام، بی تا، ج ۹، ص ۶۰۹)

۳. بدر

بدر، در محل پیوستن راه مدینه به راه کاروان روی مکه به شام قرار داشت و به سبب وجود آب و نخلستان، استراحتگاه کاروان ها بود. همچنین یکی از موسم های عرب این بود که هر سال در آنجا بازاری برپا می کرد. (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۶۱۸) بنا بر تعریفی دیگر، «بدرآبی است میان مکه و مدینه در زیر دره صفرا؛ میان آنجا و جار در کناره دریا، یک شب راه است. گفته می شود به بدر بن یخلد بن نضر بن کنانه منسوب است یا مردی از بنی ضمیره که در آنجا ساکن شد.» (یاقوت حموی ۱۹۹۵م، ج ۱، ص ۳۵۷)

بنا بر نقلی تاریخی، «بدر بن قریش بن حارث بن یخلد، چاه بدر را کند. بین مدینه تا بدر، هفت برید راه است: ذات جیش، عبود، مرغه، منصرف، ذات اجذال، معلاة و ائیل.»^۱ (همان، ج ۱، ص ۳۵۷)

۱. «أَيْلٌ یا ذَوَائِلٌ» منطقه ای دارای چشمه و پراز نخل خرما، بین بدر و وادی صفراء است. پیامبر ﷺ در مسیر برگشت از بدر، نضر بن حارث کلدی را در آنجا به قتل رساند. (یاقوت حموی، ۱۹۹۵م، ج ۱، ص ۹۳) بنا بر گزارش یاقوت، در زمان وی این چشمه و نخلستان از آن اولاد جعفر بن ابی طالب بود.

بدر در صدر اسلام خالی از سکنه، و تنها استراحتگاه مسافران بود؛ اما پس از مدتی کنار قبور شهیدان بدر، روستایی به همین نام ایجاد شد که اکنون شهری است که میان دو کوه «الصدمة الشاملية» در امتداد شمال تا شمال غربی و «الصدمة الشرقية» در امتداد جنوب تا جنوب شرقی، و از جانب غرب به میدان بدر، قبرستان شهدا و کوه اسفل منتهی می شود.

۴. مسیر سپاه اسلام

سپاه اسلام روز دوشنبه، هشت یا دوازده رمضان، (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۶۱۲) با حدود سیصد نفر از مدینه خارج شد. پیامبر ﷺ در مسیر مدینه به مکه، در منزلگاه عرق الطّیبة، از فردی بادیه نشین درباره قریش پرسید؛ اما وی ابراز بی اطلاعی کرد. (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۶۱۳) بنابراین مسیر را ادامه داد. در «بئر الروحاء» پس از اندکی توقف از راه مکه به سمت چپ منصرف شد و به سمت راست، از طریق ناریه به سوی بدر تغییر مسیر داد. سپس وادی رُحقان، بین نازیه و تنگه صفرا، را پیمود و به نزدیکی روستای صفرا، که بین دو کوه مُسلح و مُخری قرار داشت، رسید. در اینجا بود که دو نفر را فرستاد تا از قریش خبر آورند. چون نام مردمان ساکن آن روستا را شنید، وارد نشد و در حالی که صفرا در سمت چپش قرار داشت، از سمت راست در ذفران فرود آمد. اینجا بود که شنید قریش برای حمایت از کاروان ابوسفیان خارج شده اند. از این رو حضرت پس از مشورت با اصحاب و پیمان گرفتن از انصار، تصمیم گرفت با آنان بجنگد. (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۶۱۴)

جغرافیای تاریخی نبرد بدر

پس از تصمیم به قتال، سپاه اسلام از ذفران خارج شد و پس از گذشتن از گردنه اَصافر، مسیر را به سوی روستای «دَبّة»، که پایین گردنه قرار داشت، ادامه داد و پس از

گذشتن از «حِثَّان»، که تپه بزرگ ریگی همچون کوه بود، در نزدیکی بدر اردوزد. (همان، بی تا، ج ۱، ص ۶۱۶) سپس حضرت همراه یکی از اصحاب برای عملیات شناسایی به اطراف رفتند و پیرمردی را دیدند و از او از لشکر قریش و اسلام پرسیدند. او گفت بنا بر محاسباتش اگر فلان روز از یترب خارج شده اند، اکنون در همین نزدیکی هستند و قریش هم اگر فلان روز از مکه خارج شده اند، باید در فلان جا (همان جایی که قریش مستقر شده بودند) باشند. (همان جا)

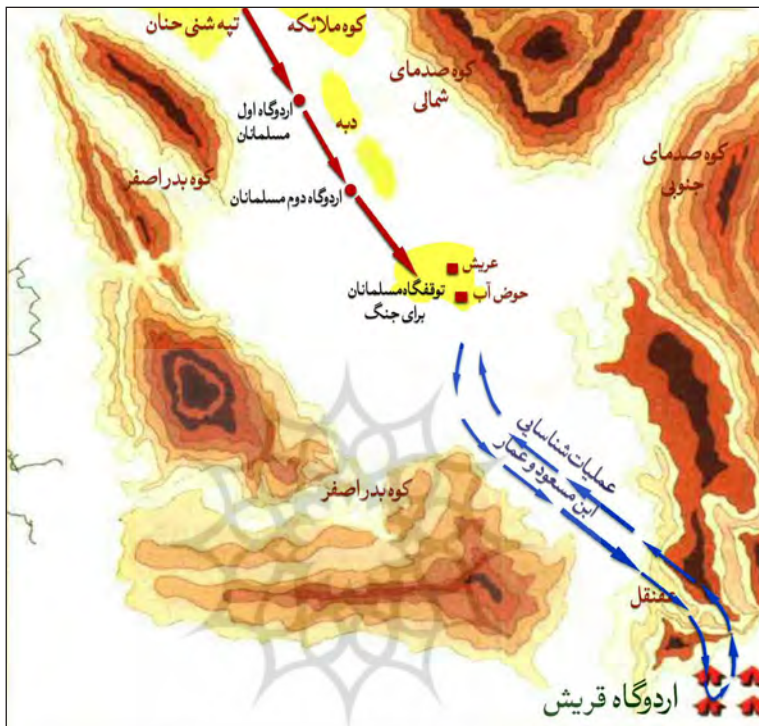
پیامبر ﷺ به اردوگاه برگشت و چون شب شد، امام علی رضی الله عنه زیبرو سعد را برای کسب اخبار بیشتر به چشمه بدر (همانجا) یا به چاهی در نزدیکی کوه ظریب فرستاد. (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۵۲)

آنان موفق شدند، دو آب بر قریش را دستگیر کنند. آن دو درباره جای استقرار قریش گفتند: «هم والله وراء هذا الكثيب الذي تري بالعدوة القصوي^۱ و الكثيب العنقَل»؛ «به خدا قسم آنان پشت همین تپه ریگی، واقع در کرانه دورتر هستند». (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۶۱۷)

پیامبر ﷺ درباره نفرت قریش پرسید؛ اما آن دو ابراز بی اطلاعی کردند. پیامبر ﷺ با سؤال دیگری که روزی چند شتر نحر می کنند، تعداد آنان را تخمین زد. آنان پاسخ دادند روزی نه و برخی روزها ده شتر، و حضرت تعداد آنان را بین ۹۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر دانست. (همانجا) بنابراین پیامبر ﷺ در این جنگ چندین بار از تاکتیک عملیات شناسایی استفاده کرد که نشانگر اشراف ایشان به مسائل جنگی و اهمیت آن است. از آن طرف قریش در حاشیه جنوبی بدر اردو زدند. محل دقیق جایگاه قریش،

۱. عدوة الدنيا و عدوة القصوی؛ این دو نام از آیه ﴿إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوِي﴾ (انفال: ۴۲) گرفته شده است. «عدوة» یعنی کنار وادی. بنابراین «عدوة الدنيا» یعنی کنار وادی ای که به مدینه نزدیک تر بود و «عدوة القصوی» یعنی کنار وادی ای که به مدینه دورتر بود. (طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۸۳۹).

پشت تپه ریگی، در دلِ وادی بدر، در یلیل واقع شده بود.^۱ چاه بدر در کناره شمالی بدر (کناره نزدیک تر به دلِ یلیل از طرف مدینه) واقع بود. (همان، بی تا، ج ۱، ص ۶۲۰)



پس از استقرار دو سپاه، باران بارید و وادی بدر را گل و لای فراگرفت. (همانجا) در اینجا حباب بن منذر با بیان این نکته که اینجا جای مناسبی برای اردو زدن نیست، پیشنهاد کرد تا به سوی چاه آبی بروند که در نزدیک ترین موقعیت به قریش قرار دارد. سپس آن چاه را پر کنند و بر آن حوض آبی بسازند. در این صورت آنان، برخلاف

۱. ابن اسحاق در جای دیگر توضیح بیشتری درباره موقعیت این مکان می دهد: «ومضت قریش حتی نزلوا بالعدوة القصوی من الوادی خلف العقنقل و بطن الوادی وهو یلیل بین بدر والعقنقل، الکثیر الذی خلفه قریش، والقلب ببدر فی العدوة الدنیا من بطن یلیل إلى المدینة»: (ابن هشام، بی تا) «قریشیان در عدوة القصوی اردو زدند و آن مکان، پشت عقنقل است؛ یعنی بین بدر و عقنقل، یلیل قرار دارد».

دشمن، به آب دسترسی خواهند داشت. پیامبر ﷺ نیز پذیرفت. (همانجا) بنابراین در یک جابه جایی استراتژیک، لشکر اسلام از موقعیت جغرافیایی پایین تر به یک موقعیت استثنائی در میدان جنگ پیش رفت.

توضیح آنکه اردوگاه اولیه مسلمانان از آب دور بود و در صورت طولانی شدن جنگ، لشکر با مشکل آب مواجه می شد. همچنین از نظر جغرافیایی پایین تر بود، اما مکان انتخابی دوم هم کنار آب قرار داشت و هم مشرف به دیگر سرزمین های وادی بدر بود. بنا بر پیشنهاد سعد بن معاذ، در کنار چاه بدر، سایه بانی^۱ از شاخه های خرما برای حضرت ساختند (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۵۲) که در صورت شکست، پیامبر ﷺ بتواند خود را به کسانی برساند که دورتر از معرکه هستند. (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۶۲۰) سپس یاران پیامبر ﷺ شمشیر به دست، بیرون عریش ایستادند؛ زیرا امکان حمله از جانب قریش از طرف عدوة القصوی وجود داشت.^۲

میدان نبرد در دشتی باز قرار داشت که موانع طبیعی آن را محصور کرده بود: از شمال و شمال شرق، رشته کوه کوچک صدماء، از شرق تپه، از جنوب و غرب کوه اصفرو از شمال غربی تپه کوچک شنی حثان. نکته قابل توجه آنکه جاهایی از کرانه شمالی و جنوبی (محل استقرار سپاه اسلام) از بخش میانی دشت بدر بلندتر بود. در هنگامه جنگ، نیروهای اسلام در «عدوة الدنيا» پشت به آفتاب، و قریش در «عدوة القصوی» رو به آفتاب، و چاه های بدر بین هر دو سپاه (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۱،

۱. بعدها این مکان به مسجد تبدیل شد و به همین دلیل، مکان آن هنوز هم مشخص است. مقدسی احسن التقاسیم: بدر: مدینة صغیرة من نحو الساحل ثم عین النبی صلعم و موضوع الوقعة و مساجد بناها ملوک مصر سیهودی در وفاء الوفا: «مسجد بدر کان العریش الذی بنی لرسول الله - صلی الله علیه و [آله] و سلم - یوم بدر عنده وهذا المسجد معروف الیوم بقرب بطن الوادی بین النخیل والعین قریة منه...».
۲. ابن سعد: «وَبُنِيَ لِرَسُولِ عَرِيشٍ مِنْ جَرِيدٍ، فَدَخَلَهُ النَّبِيُّ وَأَبُو بَكْرٍ الصِّدِّيقُ وَقَامَ سَعْدُ بْنُ مَعَاذٍ عَلَى بَابِ الْعَرِيشِ مَتَوَسِّحًا بِالسِّيفِ».

ص ۵۶) قرار گرفته بود. این ترکیب از نظر جغرافیای تاریخی به نفع سپاه پیامبر ﷺ بود؛ زیرا او پشت به آفتاب بود و نور آفتاب چشمان سربازان لشکر اسلام را اذیت نمی کرد؛ برخلاف قریش که آفتاب در چشم آنان می افتاد و آنان هنگام جنگ اذیت می شدند.



با توجه به اهمیت پرچم^۱ در جنگ های صدر اسلام، پیامبر ﷺ در جنگ بدر

۱. پرچم از نمادهای اصلی اقوام، قبایل، ملت ها، دولت ها و لشکرهای نظامی است که در تاریخ اهمیت خاصی داشته است. همچنان که قبایل عرب پیش از اسلام پرچم داشتند، سپاه پیامبر ﷺ نیز دارای پرچم (لواء و رایت) بود که لواء (نشانه اصلی سپاه) نسبت به رایت (نشانه گروه های فرعی و قومیت ها)، اهمیت بیشتری داشت. پرچم در سپاه پیامبر ﷺ از اهمیت خاصی برخوردار بود و پرچم دار صاحب فضیلت و منقبت؛ بنابراین صحابه دوست داشتند پرچم سپاه به آنان واگذار شود. (احمدی، علی و روحی، کاوس، ۱۳۹۷ش، ش ۷۳، ص ۷)

لوائی (پرچم) سفید را به مصعب بن عمیر سپرد. (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۶۱۳) البته بنا بر نقل ابن اسحاق، دو روایت (پرچم) سیاه همراه پیامبر ﷺ در حرکت بود؛ روایت عقاب همراه امام علی علیه السلام و دیگری برای بعضی از انصار: (همان جا)

درباره پرچم دار سپاه اسلام در بدر، از مجموع اقوال مورخان و محدثان، سه دیدگاه استخراج می شود:

۱. لواء از اول نزد امام علی علیه السلام بود؛ اما هنگام جنگ به مصعب سپرده شد؛
۲. لواء از ابتدا نزد مصعب بود و در جنگ به ایشان واگذار شد؛
۳. از ابتدا لواء در اختیار مصعب، و روایت در اختیار امام علی علیه السلام بود. (احمدی و رومی، ۱۳۹۷ ش، ش ۷۳، ص ۱۶ و ۱۷)

صبح روز ۱۷ رمضان سال دوم هجری لشکر اسلام آماده نبرد شد. (ابن سعد، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۱۹) قریش نیز که در «عدوة القصوی» اردو زده بود، وارد وادی بدر شد و در مقابل لشکر اسلام ایستاد؛ به طوری که پشت سرشان کوه اسفل قرار داشت و روبه رویشان کوه صدمه. پس از صف آرایی و پیش از آغاز جنگ، عمیر بن وهب جمعی را برای عملیات شناسایی به اطراف فرستادند تا مطمئن شوند نیرویی کمکی، پشتیبان لشکر اسلام نیست. او پس از مدتی برگشت و اطمینان داد خبری نیست؛ اما با بیان اینکه «تصورم این است که اینان کشته نشوند، مگر مردی از ما را بکشند»، از اشراف قریش خواست درباره جنگ بیشتر بیاندیشند. (ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۴۵۴) سپس پیامبر صلی الله علیه و آله با قاصدی پیشنهاد صلح را مطرح کرد و جنگ را ناخوش دانست. (همان جا)

عتبة بن ربیعہ می خواست قومش را به برگشتن راضی کند؛ اما ابوجهل اصرار بر جنگ داشت و نپذیرفت. او عامر، برادر عمرو بن حضرمی که مسلمانان او را کشتند، را تحریک کرد. او نیز جامه درید و بانگ برآورد: «واعمره و اعمره». به این صورت

آتش جنگ برافروخته شد. (ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۴۵۵) سپس اسود بن عبدالأسد مخزومی، که قسم یاد کرد یا از حوض آب بنوشد و آن را خراب کند یا در آن راه بمیرد، به دست حمزه پیش از ورود به حوض آب زخمی، و سپس در وسط حوض کشته شد. (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۶۸)

سپس جنگ تن به تن آغاز شد و عتبه بن ربیع و برادرش، شیبۀ بن ربیعة و پسرش، ولید بن عتبه، هم‌اورد خواستند. عوف و معوذ، پسر حارث، و عبدالله بن رواحه از انصار رفتند؛ اما آنان نپذیرفتند و همتایانی در شأن خودشان خواستند. بنابراین حمزه، امام علی علیه السلام و عبیدۀ بن حارث به مصاف رفتند. عبیده که پیرتر بود در برابر عتبه، و حمزه در برابر شیبه، و امام علی علیه السلام در برابر ولید قرار گرفت و هر سه نفر از مشرکان، کشته شدند. (همان، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۶۹)

این واقعه روحیه سربازان قریش را متزلزل ساخت؛ اما ابوجهل آنان را به جنگ ترغیب کرد. (همان، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۵۵) بنابراین دو گروه به هم نزدیک شدند و حمله همگانی قریش آغاز شد. بنا بر گزارشی از امام علی علیه السلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله در میدان نبرد، پیشاپیش اصحاب قرار داشت و هیچ یک نزدیک تر به دشمن از او نبود و در صحنه نبرد، جدی ترین و کوشاترین بود. (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۳)

بررسی و تحلیل

۱. انگیزه جنگ بدر

پس از آنکه فشار قریش بر پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش در مکه شدید شد، آنان آنجا را به قصد یترب ترک کردند و مساکن، اموال و همه دارایی شان به تصرف قریش درآمد. به تلافی این اقدام، حمله به کاروان های تجاری قریش در دستور کار مسلمانان قرار گرفت و تا جنگ بدر، چهار بار این اتفاق افتاد. پیش از جنگ بدر پیامبر صلی الله علیه و آله مسلمانان

را فراخواند و فرمود: «این کاروان قریش است که اموالشان در آن است. شاید خداوند غنیمتی به شما دهد». (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۶۰۶) بنابراین انگیزه سپاه اسلام در ابتدا جنگ نبود؛ بلکه تصرف اموال کاروان قریش، به تلافی تصرف مساکن و اموالشان از سوی قریش بود. از طرفی دیگر انگیزه قریش هنگام خروج از مکه نیز جنگ نبود؛ بلکه کمک به کاروان تجاری قریش در برابر تصرف مسلمانان بود، اما در میانه راه چه شد که سرنوشت دو سپاهی که از ابتدا برای جنگ حرکت نکرده بودند، به نبرد انجامید؟ در نزدیکی بدر هنگامی که ابوسفیان توانست کاروان تجاری خود را فراری دهد، به مکیان - درحالی که در منزلگاه جحفه بودند - پیام داد که برگردند؛ زیرا توانسته بود کاروانش را از خطر برهاند. (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۳) برخی چون بنی اخنس و بنی زهره در این منزل از قریش جدا شدند و برگشتند؛ اما برخی همچون ابوجهل، اصرار داشتند که به راه خود ادامه دهند تا به بدر بروند و سه شبانه روز در آنجا جشن و پایکوبی کنند تا آوازه آن را همه بشنوند و متوجه لشکر قریش بشوند و پس از آن همواره از سپاه مکه ترس داشته باشند. (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۶۱۹)

۲. دلایل پیروزی مسلمانان و شکست مشرکان

بنا بر گزارش های تاریخی دلایل گوناگونی در پیروزی مسلمانان نقش داشت که عبارت اند از:

الف) ایمان: بنا بر گزارش دو جاسوس قریش که گفتند «آنها پناهگاهی ندارند، اما شترانی دیدم که مرگ را به ارمغان آورده اند. آنان گروهی هستند که جز شمشیرهای خود، پناهگاهی ندارند»، (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۶۲) مسلمانان، بسیار باایمان و مصمم در صحنه جنگ حاضر شدند و همین از دلایل پیروزی آنان شد؛ درحالی که نسبت آنان با مشرکان یک سوم بود.

ب) همراهی انصار: با وجود اینکه پیمان آنان حفظ پیامبر ﷺ در مدینه بود، اما با خطبه مهم سعد بن معاذ و آمادگی برای نبرد، نقش مهمی در این پیروزی داشتند. (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۹؛ ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۶۱۴)

ج) آمدن باران (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۶۳۳): خداوند به این دلیل اشاره می کند و می فرماید:

و از آسمان آبی بر شما فرو فرستاد تا شما را بدان پاک گرداند و وسوسه های پلید شیطان را بدین وسیله از شما بزداید و تا دل هایتان را محکم کند و در نبرد گام های شما را به آن استوار سازد. (انفال: ۱۱)

شنزارهای وادی بدر با هر بادی قابل جابه جایی بود؛ به ویژه با وجود تپه های شنی اطراف، همچون تپه حنان. بنابراین طبیعی است که با آمدن باران، زمین زیر پای آنان تثبیت، و امکان جابه جایی شن ریزه ها گرفته شود تا بهتر بتوان جنگید.

د) یاری فرشتگان: هم قرآن به آن تصریح کرده و هم ابن هشام در باب «شهود الملائكة وقعة بدر» (ابن هشام، بی تا، ص ۶۳۳) به آن پرداخته است.

ه) ایجاد رعب و وحشت در دل مشرکان: پیامبر ﷺ در این باره فرمود: «نصرت بالرعب». (همان، بی تا، ج ۲، ص ۴۹۸)

و) کوچک و ناچیز شمرده شدن دشمن در دل و ذهن مسلمانان. (انفال: ۴۳ و ۴۴)

ز) پاشیده شدن شن ریزه به طرف مشرکان از سوی پیامبر ﷺ - اشاره به آیه ﴿وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ...﴾ (همان، بی تا، ج ۲، ص ۴۹۱) - و بلافاصله وزش باد شدید و پاشیده شدن سنگ ریزه ها به سوی سپاه دشمن: این مورد، با توجه به موقعیت جغرافیایی بدر و وجود تپه های شنی فراوان، از دلایل پیروزی سپاه اسلام و شکست قریش بوده است.

ح) سخنان و خطبه های پیامبر ﷺ در باب تحریض مسلمین برای جنگ. (همان،

بی‌تا، ج ۱، ص ۶۲۷)

ط) انجام عملیات‌های شناسایی متعدد و کسب اطلاع و آگاهی از موقعیت

قریش. (همان، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۱۷)

ی) توجه به جغرافیای منطقه و جابه‌جایی اردوی پیامبر ﷺ (همان، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۲۰) یکی از نکاتی که در جابه‌جایی به آن دقت شد، نزدیکی به آب بود که در روز جنگ بدر، اهمیت بسزایی یافت؛ تا جایی که اسود بن عبدالأسد مخزومی قسم یاد کرد یا از حوض آب بنوشد، آن را خراب کند یا در آن راه بمیرد؛ (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۶۸) زیرا برای قریش سخت بود که لشکر اسلام بر آب مسلط باشد و آنان تشنه باشند.

ک) شجاعت امام علی ع: شمار کشته‌شدگان به دست ایشان - به ویژه بزرگان و شجاعان - قابل توجه، و در تغییر سرنوشت یک جنگ عربی کافی است. بنا بر گزارش ابن هشام، شانزده نفر را حضرت کشتند: ۱۴ نفر را به تنهایی و ۲ نفر را با کمک دیگری. همچنین بنا برگفته او با احتساب موارد اختلافی آمار کشته‌های به دست وی به ۲۲ تن می‌رسد: ۱۸ نفر به تنهایی و ۴ نفر با کمک دیگری. (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۳۵-۵۲۵) نیز بنا بر گزارش واقدی ۱۵ نفر (۱۴ نفر را به تنهایی و ۱ نفر را مشترک) و با احتساب موارد اختلافی ۲۲ تن (۱۹ یا ۲۰ نفر را به تنهایی و ۲ نفر را اشتراکی) (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۴۸-۱۵۲) به دست ایشان کشته شدند.

۳. دلایل شکست مشرکان

الف) شرکت نکردن برخی بزرگان قریش، همچون ابولهب، و تزلزل برخی دیگر در ابتدای حرکت از مکه. (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۱۰)

ب) ترس قریش از اختلاف درونی در مسیر یا میدان جنگ، همچون جنگ‌های خونین قبیله‌ای در جاهلیت. (همانجا)

ج) ترس و دلهره به دلیل پیش بینی پیامبر ﷺ مبنی بر کشته شدن برخی از بزرگان قریش با توجه به صداقت و امانت پیامبر ﷺ. (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۵) همچنین خواب عاتکه مبنی بر شکست قریش و باخبر شدن همه مکی ها از خواب عاتکه به وسیله عباس، عموی پیامبر ﷺ. (همان، ج ۱، ص ۲۹ تا ۳۱) نیز خواب جهیم بن صلت در منزلگاه جحفه درباره کشته شدن اشراف قریش. (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۶۱۸)

د) انصراف برخی از مشرکان در مسیر جنگ، همچون طالب پسر ابوطالب (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۱۲۱) و بنی زهره که نزدیک به صد یا سیصد نفر بودند. چون آمنه مادر پیامبر ﷺ از این طایفه بود، گفتند: «ما با فرزند خواهر خود نمی جنگیم». (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۴؛ ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۶۱۹) بنی اخنس از وسط راه در جحفه (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۶۱۹) و بنی عدی نیز در گردنه لفت، از مشرکان جدا شدند. (ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۴۵)

ه) اختلاف مشرکان در میدان جنگ پس از پیشنهاد پیامبر ﷺ مبنی بر صلح، عتبه قریش را به برگشت به مکه تشویق کرد؛ اما با واکنش تند ابوجهل مواجه شد. (همان، بی تا، ج ۲، ص ۴۵۵)

و) کشته شدن بزرگان قریش (عتبه، فرزندش و برادرش) در جنگ تن به تن و ابوجهل، که پیامبر او را فرعون امت و رأس پیشوایان کفر دانسته بود، در وسط میدان جنگ.

۴. پیامدهای جنگ بدر

الف) پیامدهای نظامی

یک- تلفات سنگین جانی و مالی به قریش: کشته شدن هفتاد نفر و اسارت هفتاد نفر و بنا بر نقلی پنجاه کشته و ۴۴ اسیر، و کشته شدن سران قریش (مانند: ابوجهل،

عتبه و فرزندش و برادرش، امیه بن خلف و نوفل بن خوید معروف به اسد قریش). بیشترین کشته‌ها از بنی مخزوم و بنی عبد شمس بودند. در مقابل، شهادت چهارده مسلمان (هشت انصار و شش مهاجر). (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۴۵)

دو- کشته شدن برخی از اسیران در مسیر برگشت: بنا بر گزارش‌های تاریخی برخلاف این سیره که اسیر کشته نمی‌شود، اما دو بزرگ قریش در مسیر برگشت کشته شدند. در وادی صفرا (منطقه ائیل) حکم قتل نصر بن حارث بن کلد، (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۰۶) و در عرق‌الطیبیه فرمان کشته شدن عقبه بن ابی معیط صادر، و به دست امام علی علیه السلام اجرا شد. (ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۴۷۱) البته این حکم، نسبت به دیگر اسیران جاری نشد.

سه- جنگ درون قبیله‌ای که در عرب کمتر سابقه داشت: پیامبر صلی الله علیه و آله و تعداد زیادی از مهاجرین از قریش مکه بودند که اکنون قریش مکه در برابر آنان جنگیده بود. چهار- جنگ احد: جلوگیری ابوسفیان از مدیحه سرایی مکیان در سوگ کشته شدگان بدر (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۱۶) به دلیل افزایش کینه قریش و تصمیم بر انتقام و به راه انداختن جنگ احد.

پنج- شکست مسلمانان در جنگ احد: مسلمانان به دلیل پیروزی در این جنگ که خارج از مدینه اتفاق افتاد، در جنگ احد هم بیرون مدینه را برای نبرد انتخاب کردند؛ اما شکست خوردند. از طرف دیگر شکست مشرکان در جنگ بدر باعث شد برنامه دقیق‌تر و بهتری برای نبردهای بعدی داشته باشند تا از بروز شکست احتمالی جلوگیری کنند.

ب) پیامدهای سیاسی - امنیتی

یک- پس از شکست سنگین قریش در این جنگ و کشتن شدن حدود هفتاد

نفر، که برخی از بزرگان و اشرف مکه بودند و نیز اسارت هفتاد نفر، قریشی که به تعبیر پیامبر ﷺ پاره‌های تن خود (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۵۳) را به مصاف لشکر اسلام آورده بود، هیمنه و عظمتش از بین رفت و به تعبیر آیه ۶ سوره انفال جبهه شرک فروپاشید.

دو- عزت، اقتدار و خودباوری بیشتر مسلمانان و ذلت قریش: بنا بر نقل پیامبر ﷺ، «نخستین جنگی بود که خداوند، اسلام را سرفراز و شرک را خوار ساخت» (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۱) و «شیطان در بدر چنان کوچک و خوار گشت که مانند نداشت».

(همان، ص ۷۷)

سه- تثبیت قلمرو سپاه اسلام و موقعیت اطراف مدینه.

چهار- تقویت جبهه اسلام در یثرب و اطراف آن که در نتیجه قدرت پیامبر ﷺ در مدینه بیش از پیش افزایش یافت و باعث اتحاد هر چه بیشتر مدنی‌ها شد.

پنج- خوشحالی مردم مدینه و خروج قبیله خزرج و استقبال از سپاه اسلام در روحا و بیان تبریک به پیامبر ﷺ. (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۱۶)

شش- ناامنی راه مکه به شام برای کاروان قریش.

هفت- ریاست ابوسفیان بر قریش مکه، پس از کشته شدن بزرگان قریش. بنابراین او در جنگ‌های بعدی رئیس مشرکان مکه بود. (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۱۶)

هشت- کینه تاریخی امویان از امام علی علیه السلام: این مطلب در خطبه‌های ایشان منعکس شده است. (ابن بکار، ۱۴۰۳ق، ص ۲۹) نیز ابن عباس خطاب به معاویه در این باره چنین گفت: «جَدَّكَ وَأَخَاكَ وَخَالَكَ، وَأَسْرَنَا قَوْمَكَ يَوْمَ بَدْرٍ». (اخبار الدولة العباسیه، ۱۳۹۱ق، ص ۴۲) اسود بن عرفجه شامی به همین جهت قصیده‌ای در مدح امام علی علیه السلام خواند. وقتی پرسیدند منظورت کیست، گفت: «هذا والله علي بن أبي طالب... الذي قتل جدك وعمك وأخاك وخالك يوم بدر». (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱ق،

ج ۲، ص ۴۰۷) همچنین بیان مولا علی علیه السلام در این باره فرمود: «فَأَنَا أَبُو حَسَنِ قَاتِلُ جَدِّكَ وَأَخِيكَ وَخَالِكَ شَدْخَاءُ يَوْمَ بَدْرٍ». (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۳۷۰) کینه تاریخی امویان در طول تاریخ حکومت آنان ادامه داشت و به لعن و ناسزاگویی به ایشان منجر شد. نه - پیمان شکنی یهود مدینه: تا پیش از بدر گزارشی از تعرض یا دشمنی یهود با مسلمانان گزارش نشده است؛ اما پس از پیروزی قاطع مسلمانان، یهودیان مدینه شروع به بدگویی از مسلمانان کردند. (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۷۶) کعب بن اشرف، بزرگ یهودیان بنی نضیر، پس از این نبرد به مکه رفت و در رثای کشتگان قریش شعر سرود. (طبری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۷۸) از آن طرف قریش نیز از یهودیان مدینه خواستند پیمان خود با مسلمانان را بشکنند. (ذهبی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۴۹) بنابراین شکاف در حکومت نوپای نبوی و آغاز دشمنی یهود، از آثار مهم جنگ بدر بود؛ البته هرچند این پیمان شکنی به تحمیل چندین جنگ بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم منجر شد، اما در نهایت به خروج یهودیان از مدینه انجامید.

ده - ایجاد جبهه نفاق در مدینه: پس از جنگ بدر عبدالله بن ابی، که تا آن زمان اسلام نیاورده بود و با مسلمانان دشمنی می کرد، به ظاهر اسلام آورد. (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۱۹) او برای مردم خطبه خواند و همگان را بریاری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فراخواند. (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۱۸) اسلام آنان ظاهری بود و در باطن، ذره ای به ایشان ایمان نیاوردند. بنابراین منافقانه به حیات خود در مدینه ادامه دادند و از آن پس به تحریک بیشتر یهودیان پرداختند تا از پیمان با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خارج شوند. (همان، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۷۸) یازده - نقشه قتل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دست صفوان بن امیه که حضرت با خبر غیبی متوجه شد و این ترور ناکام ماند. (ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۴۸۵ و ۴۸۷).

دوازده - خوشحالی پادشاه حبشه و شادمانی مسلمانان مقیم آنجا. (واقعی،

۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۲۰)

ج) پیامدهای اقتصادی - فرهنگی

یک- تقویت توان اقتصادی مسلمانان با تصرف غنائم: بنا بر گزارش واقدی وسایل شخصی هر کشته‌ای بنا بر سنت قدیمی عرب و تأکید پیامبر ﷺ به کشنده می‌رسید. (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۹۹) دیگر غنائم به دست آمده بین مسلمانان در مسیر راه در منطقه سیرتقسیم شد. هنگام تقسیم غنائم بنا بر آیه ۴۱ سوره انفال، بخشی از غنائم به عنوان خمس به افراد مشخص شده می‌رسید. بنا بر نقل ابن اثیر، سی اسب (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۱۶) به عنوان خمس محاسبه شد. همچنین در این جنگ هفتاد قریشی به اسارت مسلمانان درآمدند و به دستور پیامبر ﷺ، قریش در برابر برخی از آنان، همچون عباس عموی پیامبر ﷺ، پول پرداخت کردند (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۶) که این هم کمک اقتصادی به مسلمانان بود.

دو- ایجاد طبقه بدریون بین اصحاب. (ابن عبدالبر، مقدمه مؤلف، ۱۴۱۲ق، ص ۶) در زمان پیامبر ﷺ نیز «أهل بدر» معروف بودند (بخاری، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۲۴۹) و از سوی ایشان با عباراتی همچون «وجبت لكم الجنة» و «وفقد غفرت لكم» توصیف شدند (همان) و هر کدام از آنان، «بدری» خوانده می‌شدند. (طبری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۶۴) این فضیلت به قدری اهمیت داشت که خلیفه دوم به بدری‌ها مقدار بیشتری از بیت المال پرداخت می‌کرد. (بلاذری، ۱۴۰۷ق، ص ۴۳۸)

سه- نهی از کشتن بنی‌هاشم از قریش در میدان نبرد به وسیله پیامبر ﷺ؛ زیرا با اکراه شرکت کرده بودند. (ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۴۵۸)

نتیجه‌گیری

درباره انگیزه و دلایل جنگ بدر، با بررسی همه روایات وارد شده درباره پیشینه جنگ بدر می‌توان به این نتیجه دست یافت که منشأ اصلی این جنگ، اقتصادی

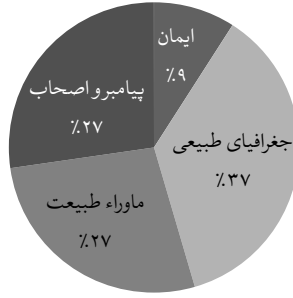
بوده است. بنابراین انگیزه سپاه اسلام در ابتدا جنگ نبود؛ بلکه تصرف اموال کاروان قریش به تلافی تصرف مساکن و اموالشان از سوی آنها بود.

از طرف دیگر هم انگیزه قریش هنگام خروج از مکه جنگ نبود؛ بلکه کمک به کاروان تجاری قریش در برابر تصرف مسلمانان بود که این مهم هم انجام شد و کاروان ابوسفیان توانست از معرکه بگریزد؛ اما در میانه راه، اصرار ابوجهل بر تنبیه مسلمانان سرنوشت دو سپاهی که از ابتدا برای جنگ حرکت نکرده بودند را به جنگ کشاند. بنابراین تا منزلگاه جحفه، انگیزه مشرکان حمایت از کاروان تجاری قریش و پس از آن ایجاد رعب و وحشت در مسلمانان و بازگشت هیمنه مشرکان پس از شکست در سریه های قبلی بود.

از سویی دیگر هنگامی که پیامبر ﷺ از نجات کاروان قریش به سرکردگی ابوسفیان و ادامه مسیر کاروان قریش به سرکردگی ابوجهل و تصمیم آنان به جنگ با خبر شد، بر جنگیدن با مشرکان مصمم گشت.

درباره دلایل پیروزی مسلمانان گفتنی است از یازده دلیل که گذشت، چهار دلیل مربوط به جغرافیای تاریخی (انتخاب جای مناسب توسط لشکر اسلام، انجام عملیات شناسایی، نزول باران و وزش باد شدید به سوی مشرکان)، سه دلیل امور ماوراء طبیعی (نزول فرشتگان، ایجاد رعب و وحشت در دل مشرکان و کوچکی مشرکان در دل مسلمانان)، سه دلیل مربوط به نقش پیامبر و اصحاب (همراهی انصار، سخنرانی پیامبر ﷺ و شجاعت امام علی علیه السلام) و یک دلیل، اعتقادی (ایمان) است. بنابراین دلایل جغرافیای تاریخی بدر در پیروزی مسلمانان با ۳۷٪ (نمودار شماره ۱) اولین نقش را در پیروزی مسلمانان داشته است.

نمودار ۱: درصد دلایل پیروزی مسلمانان



منابع

- نهج البلاغه، (۱۴۱۴ق)، تحقیق صالح صبحی، قم، دارالهجرة.
۱. محقق، عبدالعزیز الدوری و عبدالجبار مطلبی (۱۳۹۱ق)، اخبار الدولة العباسية، بیروت، دارالطليعة.
 ۲. ابن اثیر، علی بن محمد، (۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م)، الكامل في التاريخ، بیروت، دارصادر.
 ۳. ----- (۱۴۰۹ق)، اسد الغابة في معرفة الصحابة، بیروت، دارالفکر، چاپ اول.
 ۴. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی، (۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م)، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء، چاپ اول.
 ۵. ابن بکار، عباس (۱۴۰۳ق)، الوفديات من النساء علی معاوية بن ابی سفيان، بیروت، مؤسسة الرسالة.
 ۶. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰ق)، الطبقات الكبرى، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
 ۷. ابن عبدالبر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۲ق)، الإستيعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق: علی محمد الجاوری، بیروت، دارالجيل.
 ۸. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق/۱۹۸۶م)، البداية والنهاية، بیروت، دارالفکر.
 ۹. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دارصادر.
 ۱۰. ابن هشام، عبدالملک بن هشام (بی تا)، السيرة النبوية، تحقیق مصطفی السقا، ابراهیم الأبياری

و عبد الحفيظ شلبي، بيروت، دار المعرفة.

۱۱. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۲۱ق/ ۲۰۰۱م)، المسند، تحقيق شعيب الارنؤوط، بيروت، مؤسسة الرسالة.

۱۲. احمدى، على و روحى، كاوس (۱۳۹۷ش)، «تحليل روايى تاريخى پرچم دارى امير مؤمنان على عليه السلام در غزوات پيامبر اکرم صلى الله عليه وآله»، تاريخ اسلام، ش ۷۳.

۱۳. بخارى، محمد بن اسماعيل (۱۴۱۲ق)، صحيح البخارى، اعتنى به ابوصحيب الكرمى، رياض، بيت الأفكار الدولية.

۱۴. بلاذرى، احمد بن يحيى (۱۴۰۷ق)، فتوح البلدان، حقه و شرحه و علق على حواشيه و اعد فهارسه و قدم لبه عبدالله انيس الطباع، عمر انيس الطباع، بيروت، مؤسسة المعارف.

۱۵. بيهقى، احمد بن حسين (۱۴۰۵ق/ ۱۹۸۵م)، دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشريعة، تحقيق عبد المعطى قلعجى، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول.

۱۶. دهخدا، على اكبر (۱۳۷۳ش)، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران.

۱۷. ديار بكرى، حسين بن محمد (بى تا)، تاريخ الخميس فى أحوال أنفس النفيس، بيروت، دار صادر.

۱۸. دينورى، احمد بن داود (۱۳۶۸ش)، الأخبار الطوال، تحقيق عامر عبدالمنعم و مراجعه شيال جمال الدين، قم، منشورات الرضى.

۱۹. ذهبى، محمد بن احمد، (۱۴۰۷ق/ ۱۹۸۷م)، تاريخ الإسلام، تحقيق عمر عبدالسلام تدمرى، بيروت، دار الكتاب العربى، چاپ اول.

۲۰. طبرى، محمد بن جرير (۱۴۰۷ق)، تاريخ الرسل والملوك، بيروت، دار الكتب العلمية.

۲۱. قرچانلو، حسين (۱۳۸۰ش)، جغرافياى تاريخى كشورهای اسلامى، تهران، سمت.

۲۲. مطرزى، ناصر بن عبدالسيد (۱۹۷۹م)، المغرب فى ترتيب المعرب، حلب، مكتبة اسامة بن زيد.

۲۳. واقدى، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق/ ۱۹۸۹م)، كتاب المغازى، تحقيق مارسدن جونس، بيروت، مؤسسة الأعلمى، چاپ سوم.

۲۴. ياقوت حموى، ياقوت بن عبدالله (۱۹۹۵م)، معجم البلدان، بيروت، دار صادر.